

در گفت‌وگوی «جوان» با دو تن از نامزدهای جایزه جلال مطرح شد

جایزه جلال باید علمی‌تر و رقابتی‌تر برگزار شود

نقطه ضعف جایزه جلال غفلت از خود جلال است



بدون عنوان: خانه کتاب

■ **محمدصادق عابدینی**

جایزه جلال مهم‌ترین جایزه ادبی در ایران است که نامگذاری آن به نام نویسنده بزرگ معاصر، بهانه‌ای برای پرداختن به افکار، عقاید و جهانبینی جلال آل احمد است. با وجود این به نظر می‌رسد شخصیت نویسنده‌گی جلال از دید افکار عمومی و نویسندگان جوان‌تر مغفول مانده و بیشتر مجادلات سیاسی وی بر جسته شده است. لزوم پرداختن به افکار جلال و معرفی آن به نویسندگان جوان، موضوعی است که در گفت‌وگوی «جوان» با محمد قائم‌خانی و نیز ابراهیم اکبری‌دیز‌گاہ، نامزد و شرکت‌کننده در جایزه جلال مطرح شد.

■ **صور سکوت و موضوع انتظار**

قائم‌خانی درباره «صور سکوت» که با آن به جمع نامزدهای جایزه جلال پیوسته است به «جوان» می‌گوید: «صور سکوت، داستان خاندان یهودی مستقر در خوزستان ایران در زمان ساسانی است که در آستانه رسالت پیامبر(ص) متوجه نشانه‌های موعود می‌شوند و چون از قیل می‌دانستند چنین آثاری دال بر متولد شدن موعود و منجی است که در آخرالزمان می‌آید و انسان و جهان رنجات می‌دهد، به حجاز سفر می‌کنند تا به آنچه مدنظرشان است برسند که در این بین وقایعی رخ می‌هد که شکل‌دهنده کلیت داستان است.

وی می‌افزاید: «منجی و موعودباوری و انتظار در اثر «صور سکوت» بسیار برجسته است،از این جهت قابل توجه قرار گرفته در ریف نامزدهای احتمالی جشنواره جلال

الهی به نوعی به آن باور دارند و از درچه دید خود آن را دنبال می‌کنند.»
نامزد جایزه جلال در پاسخ به این سؤال که آیا فکر می‌کردید در ریف نامزدهای احتمالی جشنواره جلال قرار بگیرید؟ می‌گوید: «به دلایلی این احتمال را می‌دام. به واسطه بازخوردهایی که دوستان نویسنده و اهالی قلم از خود بروز می‌دادند، به این موضوع رسیده بودم و این احتمال را می‌دادم که گمانه‌زنی دوستانی که در فضای ادبیات هستند بی‌دلیل نیست، لذا می‌توان امیدوار بود به دور نهایی جشنواره راه بیابیم، ضمن اینکه بازخورد داورانی که قبلاًدور جشنواره جلال بودند نیز امیدآفرین بود اما اینکه خودم شخصا این موضوع را پیگیری کنم، باید بگویم که نه، فرصت نداشتم و این موضوع را به لحاظ شخصی دنبال نکردم.»

■ **نقطه ضعف جایزه جلال، غفلت از خود جلال است**
قائم‌خانی در خصوص نقاط ضعف و قوت جایزه جلال اظهار می‌دارد: «به نظر بنده مهم‌ترین نقطه ضعف جایزه جلال به رغم کوششی که برای بهتر شدن روند این جشنواره می‌کنند این است که شخصیت جلال همچنان برای مردم مخفی است و نتوانسته‌اند شخصیت جلال را در ابعاد مختلف تبیین کنند، پس این خلأ وجود دارد.»
وی ادامه می‌دهد: «به نظر می‌رسد درباره تبیین شخصیت و آثار جلال کار زیادی صورت داده نشده است و در حالی که جایزای به نام جلال وجود دارد.»
نامزد جایزه جلال در ادامه بحث خاطر نشان می‌کند: «با توجه به اینکه سایر محافل ادبی سراغ جلال و آثارش نمی‌روند، به نظر می‌رسد شخصیت نویسنده‌گی جلال از دید افکار عمومی و نویسندگان جوان‌تر مغفول مانده و بیشتر مجادلات سیاسی وی بر جسته شده است.»

قائم‌خانی می‌گوید: «من بر این باورم در کنار بررسی آثاری که هر سال به دست جشنواره می‌رسد، بهتر است برای خود جلال نیز بخش ویژه‌ای قائل شوند و در جشنواره نهادینه شود تا علاوه بر تبیین شخصیت جلال و معرفی آثارش، راهبردی مهمی برای تقویت و ارتقای فضای نویسندگی کشور باشد، ضمن اینکه این رویکرد باعث



محمد قائم‌خانی



■ **قائم‌خانی: به نظر بنده مهم‌ترین نقطه ضعف جایزه جلال به رغم کوششی که برای بهتر شدن روند این جشنواره می‌کنند این است که شخصیت جلال همچنان برای مردم مخفی است و نتوانسته‌اند شخصیت جلال را در ابعاد مختلف تبیین کنند، پس این خلأ وجود دارد**



ابراهیم اکبری دیز‌گاہ

می‌شود مظلومیتی که بر شخصیت و آثار جلال تحمیل شده است از بین برود.»

نویسنده «صور سکوت» در پایان پیرامون دیگر نامزدهای جایزه جلال می‌گوید: «تاکنون توانسته‌ام رمان «سیاگالش» را از بین آثار سایر نامزدهای جشنواره جلال بخواهم که به نظر بنده اثر خوب، جامع و قابل تأملی است.»

■ **جشنواره ادبی نباید ایلی برگزار شود**

ابراهیم اکبری دیز‌گاہ، نویسنده «سیاگالش» دیگر نامزد جایزه جلال در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: «نچه در خصوص بهتر شدن و بهرهوری بیشتر جشنواره‌های ادبی در ایران باید مورد توجه قرار بگیرد و لحاظ شود، این است که باید از برگزاری جشنواره‌هایی که اغلب به شکل ایلی و قبیله‌ای برگزار می‌شود، عبور و جشنواره‌هایی علمی برگزار کنیم، به طوری که هم نویسندگان را مشتاق ارائه آثار بهتر و هم جامعه را اهل خواندن و مطالعه کند.»
اکبری دیز‌گاہ در ادامه می‌افزاید: «شاید یکی از ویژگی‌های جایزه جلال سابق بر این ارزش ریالی جایزه‌ای بود که به نرات بر تعلق می‌گرفت که متأسفانه این ویژگی کمرنگ شده است.از سوی دیگر جایزه‌ای مؤثر است که در جامعه ادبی ولولهای ایجاد کند و روی اهل کتاب و مردم تأثیر گذار باشد، به گونه‌ای که مردم را راقب و مایل به خواندن آن اثر کند، در حالی که متأسفانه در ایران این روال دیده نمی‌شود، به طوری که کتاب‌هایی که تاکنون جایزه گرفته‌اند، نتوانسته‌اند روی جامعه اثری بگذارند و جامعه را به سمت و سویی هدایت کنند که تحول‌آفرین باشد.»
وی خاطر نشان می‌کند: «من سر این باورم که

جشنواره‌های ادبی ایران بیش از اینکه گردهمایی علمی و ادبی باشد، یک دورهمی است، به این خاطر که اصولاً در جشنواره‌های ایرانی داوران از بین افرادی انتخاب می‌شوند که اطاعت‌پذیری بیشتری از بالادست خود دارند، پس مستقل نیستند.»

این نویسنده ادامه می‌دهد: «می‌توان گفت در ایران جایزه به معنایی که در دنیا وجود دارد، نداریم. به عنوان مثال جایزه گنکور که از سال ۱۹۰۴ در فرانسه برگزار می‌شود، با قواعد و قانون مشخصی همچنان یک جشنواره و جایزه مؤثر برای اهل قلم است، در حالی که فقط ۰ افراکت به اثر برتر جایزه داده می‌شود ولی این جایزه زندگی نویسنده اثر را متحول می‌کند اما متأسفانه در ایران نه جایزه جلال، بلکه سایر جایز نیز تأثیری تحول‌آفرین در زندگی بر گزیده‌گان این جشنواره‌ها ندارد.»

■ **جایزه «جلال» رقافتی نباشد**

نویسنده «سیاگالش» با ارائه پیشنهاداتی برای اعتلای جشنواره و جایزه جلال می‌گوید: «برای تأثیرگذاری جایزه جلال بر جامعه نویسندگان و اهل قلم و تأثیر بر افکار عمومی بهتر است بدستان‌ها در جشنواره‌هایی که رقافتی است، کمتر شود بلکه معیارهای علمی و عملی برگزاری جشنواره فقط فقط مدنظر قرار بگیرد، یعنی نباید اینگونه باشد که جوایز بین دوستان و همفکران تقسیم‌شود، بلکه بهترین کتاب سال یا معیارهای مشخص باید به جامعه معرفی شود و چند نویسنده شاخص مطرح شوند تا تأثیر گذار باشند.»

وی در پایان می‌گوید: «در سال‌های گذشته به دلایل انتخاب‌هایی که علمی نبوده‌اند و مشمول همان قاعده بدهستان شده‌اند، دیدیم که برخی کتاب‌ها و آثار حتی به چاپ‌های دوم و سوم هم نرسیده‌اند، بنابراین برگزاری جشنواره ادبی برای تعمیق بخشی به آنچه در پس ذهن‌مان مورث شده داریم و به خاطر آن جشنواره برگزار می‌کنیم، باید ملزم به رعایت نکاتی شود که برخی از آنها مورد اشرار قرار گرفت.»

■ **افزایش قابل توجه داستان کوتاه در جایزه جلال**
جایزه جلال، نشست‌های تخصصی را پیرامون وضعیت ادبیات در ایران برگزار کرد. جلسه تخصصی «وضعیت داستان کوتاه»، از جمله این نشست‌های تخصصی بود که در سرای اهل قلم خانه کتاب و ادبیات ایران برگزار شد. محمود جوانبخت، داور دوره چهاردم جایزه جلال، در این نشست تخصصی گفت: «داستان کوتاه بیش از اینکه به رمان شبیه باشد به شعر نزدیک است، داستان کوتاه یک گونه ادبی است که بیشتر نخبگان از آن استقبال می‌کنند و داستان کوتاه عامه‌پسند نداریم.»

جوانبخت با تأکید بر اینکه نگارش داستان کوتاه بسیار سخت‌تر از رمان است، افزود: «داستان کوتاه در جهان ۲۰۰۰سال پس از رمان به دنیا آمده است. در ایران نیز با ۱۰۰سال تأخیر نسبت به سایر کشورها وارد عرصه ادبیات شده و مدیومی بسیار دشوار است که کمترین خطای نویسنده نیز مشهود می‌شود.»
وی تأکید کرد: «داستان کوتاه را می‌توان بغضی در گلو دانست که به دنبال شانه‌ای است که به آن پناه برود و می‌توان آن را در یک نشست نوشت. داستان کوتاه در کشور ما شبیهه یک آخ و یک بغض بوده که در دهه ۶۰ قرار گرفتن جامعه در شرایط خاص اجتماعی و جنگ تحمیلی به شکوفایی رسید.»

این نویسنده با بیان اینکه امروز زیرساخت داستان کوتاه در کشورمان از بین رفته است، گفت: «امروز سلوک نویسندگان از بین رفته است. باید مسئولان توجه کنند که فرهنگ امری بلندمدت و از جنس دراز گردوست و نباید به چشم جو و گندم به آن نگرست. با وجود تأکیدهای فراوان مقام معظم رهبری بر حمایت و سیاستگذاری در عرصه فرهنگ و ادبیات در دولت

با یک سیاست نه چندان حمایتی سا فرهنگ بر خورد کرده است.»

وی تأکید کرد: «می‌توان در حوزه کهنروقی بازار داستان کوتاه به ناشر خرده گرفت چراکه نشر فعالیتی اقتصادی است و فروش رمان مخاطب و سود بیشتری دارد. عوامل بسیاری در حمایت از داستان‌های کوتاه مؤثرند، از جمله نشر به‌های ادبی که داستان‌های کوتاه چاپ می‌کنند، خرید کتاب‌های مجموعه داستان کوتاه و ارسال به استان‌ها، حمایت از برپایی و رونق جلسه‌های داستان‌خوانی و داستان‌نویسی و خرید و انتشار داستان‌های کوتاه از سوی رسانه‌ها، آسانه‌ها می‌توانند داستان‌های کوتاه خریداری شده را در قالب یک بسته ادبی در کنار نقد و مصاحبه در زمان خاصی به عنوان نمونه پایان هر هفته در اختیار مخاطبان خود قرار دهند.»

جوانبخت با بیان اینکه داستان‌نویسان امروز باید به نیازهای روز توجه کنند، افزود: «دهه ۷۰که داستان‌های کوتاه ما در نشریات مختلف منتشر می‌شد، مخاطبان ما پدر و مادران نوجوانان امروز بوده‌اند و اکنون زمان آن رسیده است که دید و نگاه ما به ادبیات تغییر کند، برپایی جلسات داستان‌خوانی و محافل ادبی در میان نویسندگان به گفت‌وگو و فعال شدن هر چه بیشتر ذهن داستان‌نویسان کمک می‌کند. از سوی دیگر باید تجربه ادبی نویسان نوین را تقویت کرد و نگاه ما به ادبیات سیاسی، فضای مجازی شاهدیم که برخی از داستان‌نویسان حاضرند برای تبلیغ و معرفی اثر خود در صفحات شخصی دیگران مبالغی را پرداخت کنند.»

■ **بستر فروش آثار بر گزیده جلال مهیا نیست**

هادی خوش‌شاهیان، داور دوره بانزدهم جایزه جلال نیز در سخنانی با انتقاد از نبود منتقد حرفه‌ای در زمینه نقد ادبی گفت: «وقتی منتقد و داور حرفه‌ای در حوزه کتاب‌های ادبی نداریم، نمی‌توان توقع کتابی که در یک جایزه ادبی بر گزیده می‌شود، حاصل بهترین تشخیص و مورد پسند جامعه باشد. با اینکه جایزه جلال آل احمد معتبر است، رمان‌های بر گزیده آن بیش از پنج نوبت چاپ نمی‌شود چراکه بیشتر لازم برای بر فروش شدن آنها فراهم نیست.»

وی با تأکید بر اینکه درباره ارحجیت رمان یا داستان کوتاه بحث‌های زیادی مطرح است، گفت: «برخی می‌گویند دیگر زمان رمان به پایان رسیده و دیگری این هم هستند که ادعا دارند داستان کوتاه‌تر از ادبی ندارد. در شرایطی که ذائقه و سلیقه عمومی در حال تغییر است، نمی‌توان از ناشران توقع داشت در یک مسیر خاص حرکت کنند و به سود مالی بکننند.»

داور بخش داستان کوتاه بانزدهمین دوره جایزه جلال آل‌احمد با اشاره به اینکه تعداد داستان‌های کوتاه رسیده به دبیرخانه قابل توجه ولی شمار آثار آن‌ها نذک بوده است، افزود: «موضوع‌های پرداخته‌شده در داستان‌های کوتاه این دوره محدود شده بود و می‌توان گفت داستان‌نویسان با قفر موضوعی و در عین حال پیچیده‌گویی مواجهند.»
وی در پایان سه بر گززاری همایش هسای مختلف در موضوع‌های متنوع اشاره کرد و گفت: «گاهی یک می‌تواند به گونه‌های مختلف در داستان‌های مختلف در این حوزه وارد شود و به سبک زندگی در دوره‌های مختلف تغییر می‌کند، پس باید به سلیقه‌عموم نیز احترام بگذاریم و بدانیم در حوزه ادبیات نمی‌توان برای جامعه برنامهریزی و تعیین تکلیف کرد.»

مراسم اختتامیه جایزه جلال روز ۱۳دیماه در تالار وحدت برگزار شد.



در استقبال از هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت

جامعه‌شناسی سینمای مقاومت

■ **محمد نادری***

سینما دیگر صرفاً جنبه هنری یا سرگرمی ندارد و با گذشت زمان و در اثر رابطه متقابل و دوسویه با جامعه بر کاربردهای آن افزوده شده است. این ویژگی‌های غیرقابل تفکیک، سینما را به یک رسانه قدرتمند تبدیل کرده است که در فرایند ارتباطات اجتماعی قدرتمند، تأثیرگذار و قابل ملاحظه است. از این رو در بستر سینما، تصاویر سمعی و بصری فیلم به عنوان زبانی برای انتقال پیام‌ها گیرنده به فرستنده، در مقایسه با زبان‌های دیگر ارتباطی، مکانیسمی خاص‌تر و متمایزتر دارد. سینما با پرداختن به روایت‌های جامعه، زندگی روزمره مردم، واقعیت‌های جهان اجتماعی را در سسالن سینما برای مخاطبان تجربه‌پذیر می‌کند. در واقع مخاطب با جامعه در سینما پیوند دوباره‌ای می‌خورد، از این رو فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در ارتباط متقابل مؤلف، فیلم و مخاطب، تولید و بازتولید می‌شوند. در این جاست که مطالعه جامعه‌شناختی سینما و معانی بازنمایی شده در آن برای فهم و درک ارزش‌های اجتماعی یک جامعه حائز اهمیت است. بنابراین می‌توان گفت سینما کوچک‌شده جامعه در قاب تصویر است.

■ **فرهنگ و گفتمان مقاومت**

انقلاب در یک جامعه تغییریری بنیادین و قدرتمند است که زیست جهان‌های افراد یک جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد که انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نبود. به دلیل ویژگی‌های مذهبی و ایدئولوژیکی که انقلاب ایران داشت و نیروها و عناصری که در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند، انقلاب اسلامی به یک الگوی الهام‌بخش برای ملت‌های مسلمان در حال مبارزه با استبداد، استکبار و ظلم تبدیل شد. با تغییر نگرش به دین و قرار دادن آن در مرکز جامعه، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی دستخوش تغییر اساسی شدند.

انقلاب اسلامی بر اساس آموزه‌های اسلامی این باور را در جامعه ایجاد کرد که باید در مقابل هر نوع تهاجمی از خود و جامعه دفاع کرد، این نوع دفاع و ایستادگی که امری مقدس و ارزشمند است و جنبه‌های مختلفی دارد، به مرور تبدیل به یک فرهنگ عظیم و ریشه‌دار به نام «فرهنگ مقاومت» شد. «فرهنگ مقاومت» یعنی مقاومت و ایستادگی در برابر هر نوع تهاجمی، ارزش‌های دینی- اخلاقی و انسانی که حرم فرد و جامعه را مورد تجاوز قرار می‌دهد.

به مرور زمان و با مستحکم‌تر شدن پایه‌های نظری و اعتقادی فرهنگ مقاومت که در رابطه‌ای متقابل با جامعه ایجاد شده بود و گسترش این فرهنگ در سطح بین‌الملل به خصوص در کشورهای همسو با جمهوری اسلامی ایران به ویژه در دهه گذشته برای مقابله و ایستادگی در مقابل ظلم، استکبار و استبداد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی تحولی از سبوی قدرت‌های استکباری شاهد تشکیل جبهه مقاومت بر اساس آرمان‌های انقلاب اسلامی که برگرفته از آموزه‌های دینی است، هستیم که در سالیان اخیر این فرهنگ تبدیل به «گفتمان مقاومت اسلامی» و یک نوع زیست و سبک زندگی در ابعاد مختلف (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی واجتماعی) شده است که با خلق یک‌پارسی ماندند روحیه جهادی، استکبارستیزی، ظلم‌ستیزی، انکابه خویش، خودسازی، خودباوری، عدم‌استگنی، پیشرفت و توسعه متوازن و همه‌جانبه تبدیل به سلاحی محکم در بین جوامع مستقل منطقه شده است.

■ **سینمای مقاومت**

پس از انقلاب اسلامی و به دنبال این سخن امام خمینی (ره) که: «ما با سینما مخالف نیستیم، با فحش‌مخالفیم»، سینما به عنوان ابزاری مهم برای قشر مذهبی و انقلابی جامعه برای بیان هنری آرمان‌های انقلاب اسلامی مطرح شد و به سمت اهداف متعالی رهنمون شد.

همگام با تغییر رویه دیگر نهادها و ارگان‌های دولتی بعد از انقلاب اسلامی، نظام سینما نیز به سمت تغییر در محتوا، شیوه و اجرا حرکت کرد، از این جهت سینمای ایران یک تغییر قابل توجه را شاهد بود. مروری بر تاریخ سینما در «مقاومت» در گونه‌های مختلف شاهد هموایی‌ها و استیبال بسیار بالای جامعه و نسل جوان آن با «فرهنگ و گفتمان انقلاب اسلامی و مقاومت» بودیم اما هر چه جلوتر آمدیم (به خصوص در دهه گذشته) از حجم تولید این آثار کاسته شد و همین امر باعث بیگانگی بخشی از نسل جوان کنونی در برابر «گفتمان مقاومت» شده است.

در واقع می‌توان گفت با توجه به رابطه متقابل و دوسویه سینما و جامعه در تولید، بازنمایی و انتقال فرهنگ و ایدئولوژی، رابطه‌ای مستقیم بین حجم آثار تولیدی و هموایی‌با «گفتمان مقاومت» در سطح جامعه وجود دارد، به نحوی که هر چه کمیت و کیفیت این آثار بیشتر باشد، شاهد پذیرش و همراهی بیشتر و هر چه کمیت و کیفیت کمتر باشد، شاهد بیگانگی و حتی گاردگرفتن نسل جدید در مقابل «فرهنگ و گفتمان مقاومت» هستیم.

این نقد به طور جدی هم به سینماگران هم به مسئولان فرهنگی و سینمایی کشور وارد است که به خصوص در جریان مقابله جبهه مقاومت اسلامی با داعش و حامیانش در منطقه کوتاهی کرده و به رغم شکل‌گیری و ایجاد وحدت بین ملت‌های منطقه شده است اما در بازنمایی و انتقال این گفتمان و فرهنگ به نسل جدید حق مطلب را هنوز ادا نکرده‌اند.

***کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی**